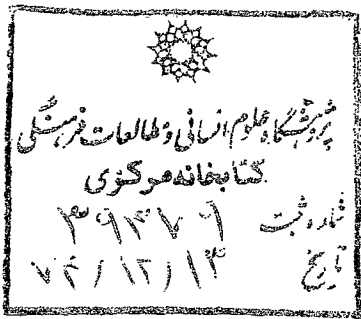
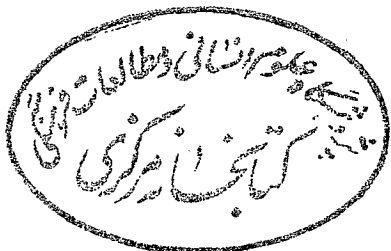


گروه مطالعات انسانی و مطالعات فرهنگی
کارشناسان ارشد
رشته آموزش زبانهای باستانی



جستاری در



سنگ نبشته‌های پهلوی



حرف نویسی، آوانگاری، برگردان،
یادداشتها و واژه‌نامه بسامدی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



کتابهای
فارسی

استاد راهنما
دکتر محمد تقی راسخصل

استاد مشاور
دکتر محمد سرخوشی
پژوهنده: محمد رضا ارشاد

۱۳۸۹ / ۳ / ۲۴

تایخ دفاع

۷۴، ۱۱، ۲۵

گمراهی

۷۱۱۵۰۱

اطلاعات رازگاری

۱۳۷۶۲۵

« فهرست »

۱	۱- سگفتار
۳	۲- دیباچه
۱۸	۳- نمونه های از متن سنگ نبشته ها
۲۳	۴- کوتاه نویسی و بناها
۲۴	۵- سنگ نبشته های ANRm-a و ANRm-b :
۲۴	الف- حرف نویسی و آوانگاری
۲۵	ب- برگردان
۲۶	ج- یادداشت های ANRm-a
۲۸	د- یادداشت های ANRm-b
۲۹	۶- سنگ نبشته SNRb :
۲۹	الف- حرف نویسی و آوانگاری
۳۰	ب- برگردان

موسسه مطالعات و تحقیقات
تاریخی و ادبی

۱۳۸۹ / ۳ / ۲۲

۳۱

ج - یادداشتها

۳۲

۷- سنگ‌نبشته: škz

۳۲

الف - حرف نویسی و آوانگاری

۵۵

ب - برگردان

۶۳

ج - یادداشتها

۱۶

۸- سنگ‌نبشته‌های šh, šTBq :

۱۶

الف - حرف نویسی و آوانگاری

۱۹

ب - برگردان

۹۰

ج - یادداشتها

۹۲

۹- سنگ‌نبشته: švš :

۹۲

الف - حرف نویسی و آوانگاری

۹۴

ب - برگردان

۹۵

ج - یادداشتها

۹۷

۱۰- سنگ‌نبشته‌های šTBnI, šTBnII, nVš :

۹۷

الف - حرف نویسی و آوانگاری

۹۱

ب - برگردان

- ۹۹ - ۱۱ - سنگ نبتہ : špsI
- ۹۹ الف - حرف نویسی و آوانگاری
- ۱۰۲ ب - برگردان
- ۱۰۴ ج - یادداشتها
- ۱۰۷ - ۱۲ - سنگ نبتہ : špsII
- ۱۰۷ الف - حرف نویسی و آوانگاری
- ۱۱۰ ب - برگردان
- ۱۱۱ ج - یادداشتها
- ۱۱۴ - ۱۳ - سنگ نبتہ : MWfd
- ۱۱۴ الف - حرف نویسی و آوانگاری
- ۱۱۵ ب - برگردان
- ۱۱۶ ج - یادداشتها
- ۱۱۸ - ۱۴ - واژه نامه سامری
- ۱۵۵ - ۱۵ - کتابنامه

« زبان خانه بودن است »
ماتین هایدگر

« پیکتار »

پایان نامه ای را که پیش رو دارید، تحسین جباری است که بدین گونه در زمینه سنگ
نشته های چلوک انجام شده است و به گونه مسلم از برخی کاستها و نارساییها در شمارگی
لذعینه ها برکنار نخواهد بود، بویژه آنکه با توجه به وقت کم و کمبود و نبود دستمایه ها - بویژه
اروپایی - بناچار از بررسی بیشتر در برخی زمینه ها چشم پوشیده شد و دیگر آنکه همه سنگ نشته
- های چلوک در این پایان نامه آورده نشده، از آن میان، سنگ نوشته لرزی در پیکولی^۱
در جنوب سلیمانیه عراق و قصر سیرین و سنگ نوشته های چهارگانه کرتیر، موبد موبدان،
در سر مشهد (جنوب کازرون)، نقش رستم، کعبه زردست (زیر سنگ نشته ساپورا اول)
و نقش جب در شمال تخت جمشید^۲، و برخی سنگ نشته های کوچک دیگر
است. آنکه در جبارهاک آینده دنباله پژوهش به گونه ای گسترده تر پی گرفته شود.

۱- برای آگاهی بیشتر رک. Paikuli, Herzfeld, vol: 1, 2, 1924. Berlin.

۲- متن عرف نویسی و آرا نگاری شده و برگردان فرانسه این سنگ نشته ها به دست ژینو بیچاپ رسیده است:

Les inscriptions du mage Kartir, par: philippe gignoux.

پیشنهاد و اندیشه آغازین پژوهش را و امداد جناب آقای دکتر اسد محصل، استاد
دانشور و بزرگوار هستیم که بنده را از راهماییمای فرد وزرانه و حرف کاوانه خود بهره مند ساختند
و در همه مرحله های این کار با چسب سبنا و خردی آگاه، مرا راهنمائی شدند و نیز سرکار خانم
دکتر میر فخرایی که از رزنیهای دانشمندان و نیز سبانه ایشان بهره های فراوان هستیم. بایسته است
که در اینجا از هر دوک این بزرگواران سپاسگزاریم.

بایسته است که از همه استادان پژوهشگاه، بویژه جناب آقای دکتر خان خلیلی،
سرکار خانم ^{دکتر} فرزاد پور، سرکار خانم دکتر مجزادی، سرکار خانم دکتر دربندی، سرکار خانم دکتر زینب ساس،
که در چند سال گذشته از خرمن دانش آنها خوشه چینی کرده ام و نیز کارمندان گرامی کتابخانه
پژوهشگاه سپاسگزاریم.

در پایان از همه مهربان و فداکارم که با خط زیبای خود، ریخ پاکنویس کردن پایان نامه
را بر خود هموار کردند و با حکماریهای دلسوزانه، مرا در این کار همگام بودند، سپاس فراوان دارم.

« دیباچه »

سینه تاریخ و زبان‌شناختی :

اصطلاح زبانهای ایرانی میانه، اگرچه مشخص کردن تاریخ دقیق آنها دشوار است، اما معمولاً فاصله زمانی پایان دوره هخامنشیان (فارسی باستان) تا پایان شاهنشاهی ساسانی را دربر می‌گیرد. این سرزبان تقریبی است، زیرا نوشته‌های از این زبانها یافت شده که به سده سوم هجری بر می‌گردد.

مادر این دوره بازبانهای سرودگار داریم که از دید ساختار واژگانی، دستوری و آوایی بسیار ساده‌تر از زبانهای باستانی می‌باشند؛ بر این بنیاد اصطلاح زبانهای ایرانی میانه بیشتر در بردارنده زبانهای است که در دوره تاریخ پیش گفته رواج داشته است. مادر این زبانها شکلی بحدیه صرف فعل و یا صرف‌های گونه‌گون نام را نمی‌بینیم و در اصطلاح زبان از شکل تصریف به شکل تحلیلی درآمده است.

گاهی ما از زبانهای ایرانی میانه با یافته‌هایی که از آغاز سده کنونی در آسای مرکزی و چین به دست آمده، افزودن کرده‌ایم. زبانهای ایرانی میانه را بر بنیان همانندیه‌ها و گونه‌نویسی آوایی، دستوری و واژگانی به دو دسته بخش می‌کنند: ۱- دسته باختری ۲- دسته خاوری، زبانهای فارسی باستان، مادری، فارسی میانه ساسانی و پارسی اردستان نخست و سندی، سکایی و خوارزمی از دسته دوم هستند.

زبان فارسی میانه ساسانی که ما از این پس به پیروی از خاورشناسان و
ایران پژوهشانی چون هوگ و دیگران بچلوکی می‌نامیم، از دسته زبانهای گروه نخست
است که از شاخه جنوب باختری این دسته و پارتی شاخه شمال باختری آن است.
زبان چلوکی دنباله راستین فارسی باستان است. ما زبان فارسی باستان را - که
زبانی از شاخه هند و ایرانی و آن به نوبه خود از هند و اروپایی است - از سنگ‌نبشته‌هایی
که در بردارنده شرح پیروزها و لشکرکشیها و کشورشاهیهای پادشاهان هخامنشی بوده
است، می‌شناسیم. ما می‌توانیم روند دیگرگونه‌های زبان چلوکی را از فارسی باستان تا
فارسی میانه بگیری کنیم - چنانچه قانون‌نویسهای آن یافته شده است - ولی باید دانست
که فارسی باستان زبانی درباری بوده و فقط برای نگاشتن شرح ستیزها و پیروزیهایی
پادشاهان به کار می‌رفته است و دارای گونه میانجی (lingua franca) نبوده و به جای
آن زبان آرامی در سراسر این پادشاهی فراخ به کار می‌رفته و پادشاهان فرمانهای
خود به اسامی شاهی را به دست دبیران آرامی می‌نوشتند. به دلیل نبود
گونه میانجی و روزانه و پدید نیامدن ادبیات، این زبان (فارسی باستان) از پایان دوره
هخامنشی به تدریج به فراموشی سپرده شد، چنانکه در نوشته‌های اردشیر سوم (۴۲۸ - ۳۵۹ م.)
نادرستیها و لغزشهای دستوری و آوایی در سنگ‌نبشته‌ها دیده می‌شود و این را نمی‌توان ناشی
از نادگامی دبیران به زبان دانست بلکه سبب آن دیگرگونه‌های زبان بوده است. پس از مافت و
تازا کسند به ایران روند این دیگرگونه‌های زبانی فزونی گرفت و دوره‌ای فرا رسید که تا رسیدن

به تخمین نوشته‌ها به زبان پهلوی (سنگ‌نشته‌ها) نزدیک به پانصد و پنجاه سال
فاصله بود. این خلاء تاریخ زبانی، سبب شده که ما از روند سطل پیری پهلوی - دست‌کم
آنگونه که به ما رسیده است - آگاهی مستندی نداشته باشیم و تنها از روی گمان و تخمین با
ربانهای خوب و بد و هم‌رشد با آن می‌توانیم تا اندازه‌ای این روند را بازسناسیم.

این دوره خلاء تاریخ زبان را در اصطلاح فارسی باستان پسین (spät altpersisch)
یا فارسی میانه پسین (vormittel persisch) می‌نامیم و چنانچه گفته شد هیچگونه سند
دستی از آن دوره در دست نداریم.

با قدرتی گرفتن اندیشه‌ها که بکار چلی و همسانی ملی، اجتماعی و دینی، تخمین نوشته‌ها
به زبان پهلوی آشکار می‌شود و جانب آن است که با بسا ننداری گاهگاهی ساسانی
به دست اردشیر (۲۴۰ - ۲۲۹ پ. م) تخمین زمانروایی ملی و دینی در ایران پایه‌گذاری
می‌شود و در کنار آن زبانی به پروردگی و استواری پهلوی به نشان زبان ملی به کار می‌رود.
این زبان نورسیده در گونه‌های آوایی، دستوری و واژه‌گانی بسیاری را پشت سر گذارده و به
تدریج ساده‌تر گشته است. برای نمونه ما در سنگ‌نشته‌ها که پهلوی که موضوع این پایان‌نامه
است، به افزودن پایانی (ی) در پایان برخی واژه‌ها بر می‌خوریم که در خط آشکار می‌شود ولی
هیچگونه ارزش و کاربرد دستوری و آوایی ندارد؛ یعنی نه ادغامی شده و نه کاربرد دستوری دیره
را نشان می‌دهد است، به احتمال این نشانه در دوره‌ای از تحول زبان پهلوی دارای کاربرد

۱- اصطلاح از Back است. برگ. Die sassanidischen staatsinschriften, Acta Iranica 18.
۲- برگ. mitteliranische sprachen im überblick, von: Rüdigerschmitt-Compendium
linguarum Iranicarum.

بوده است ولی بعدها به سبب دگرگونی زبان به واسطه سپرده شده در واقع فقط یک نشانه خطی بی کارکرد آوایی یا صرفی آشکار است.

خطی که در نوشتن چهلک سنگ نسبت به ای از آن بجز گرفته شده، برگرفته از خط آرامی است. دبیران این خط را (آرامی) با واجهای زبان چهلک تطبیق دادند و در نوشتن سنگ نسبت به آنها از بیت دیک حرف این الفبا بجز برده اند، در حالیکه خط آرامی دارای بیت و دو حرف بوده که همه آن در پارسی سنگ نسبت به ای کاربرد دارند. حرف «ق» در چهلک سنگ نسبت به ای که البته ویژه هنر وارهها است - کاربرد ندارد و به جای آن حرف «M» نگاشته می شود، برای نمونه هنر وارس (QDM) در پارسی به همین شکل ولی در چهلک سنگ نسبت به ای به شکل (MDM) به کار می رود. بایسته یادآوری است که خط چهلک کتابی دگرگون شده خط چهلک سنگ نسبت به ای است، با این فرق که در چهلک سنگ نسبت به ای برای هر آوا یک نشانه خطی جداگانه نگذاشته شده، حال آنکه در چهلک کتابی یک نشانه خطی بازمانده چند آوا است.

خط چهلک سنگ نسبت به ای همانند چهلک کتابی دارای املاهای تاریخی است و این پدیده هنگامی رخ می دهد که روند آوایی زبان دگرگون شود و سیره های ادایی یک واژه تغییر یابد ولی در خط که آواهای زبان در آن بازتاب می یابد میان شکل آوایی و تلفظی با شکل نوشتاری جدایی می افتد؛ برای نمونه در چهلک کتابی و سنگ نسبت به ای واژه $ptkry$ ، $ptkl'$ ، به شکل آوایی $patikara$ ، آوانگاری می شود و ما می دانیم که ماده این واژه $patikara$ بوده و در یک دوره ویژه $patkar$ تلفظی شده است ولی در دوره مورد بررسی

ما pahikar اداسی شده اما در خط همان شکل تلفظی کهن نگه داشته شده است.
همانند آن را در فارسی نو در واژه خواهر داریم، چنانکه می دانیم این واژه در یک دوره زبانی
(xwāhar) اداسی شده ولی امروزه چنین نیست و با این وجود خط ما شکل تلفظی کهن را
حفظ کرده است.

از دیگر ویژگیهای زبان پهلوی کهن نسبت به ای کاربرد هنرواری در آن است. هنرواری
از ریشه (uzwārdan) در معنای دانستن و فهمیدن آمده و (uzwārišn) اسم مصدر آن
است. هنرواری پدیده ای نوشته شده است که در زبانهای ایرانی میانه به غیر از ترفانی کاربرد گسترده
دارد و آن عبارت است از زستن واژه ای آرامی به خط پهلوی یا پارسی و یا سفدی و خواندن
آن به زبان نوشته شده یعنی پهلوی، سفدی و پارسی. دلیل پیدایی این پدیده وجود دیرین
آرامی بوده و چنانچه گفته شد این دیرین در برابر پارسی همان ایرانی از دوران هخامنشیان بوده اند
و فرماهای شاهی به استخوانی گوناگون را به زبان آرامی می نگاشتند ولی هنگام خواندن آن
، هم از فارسی میانه و یا هر زبان دیگر را به کار می بردند یعنی به زبان همان استان یا ایالت،
بر می گردانند و این شیوه آرامی نویسی از دوره ساسانیان که نخستین حکومت ملی و ایرانی
بر بنیان آن شکل گرفت، کاسته شد و واژه های پهلوی جای آن را گرفتند و این دلیل
استواری بر کاربرد واژه های آرامی در نوشتار است و نه در گفتار و زبان گفتار روز عادی خود
را داشته است. گویا همان دیگر مایه ای نبود این واژه های هنرواری در نوشته ها که مانویان و دیگر
بودن واژه نامه ای به فارسی میانه است که برابرهای فارسی میانه این هنرواریها را داده

است و دیگر سخن آستینوس مارسلینوس تاریخ نویس رومی است که در کتابش هنگام شرح جنگهای
 ساپور دوم و کنتانتین میگوید: ایرانیان واژه‌های pyrosen و saansaan را به کار
 می‌بردند که به گونه مسلم همان šāhānšāh و pērōz است، در حالی که هم‌اکنون
 هزاره‌ای شاهان در سنگ‌نبشته‌های آن زبان (MLK'N MLK) بوده است.
 زبان چهلوی سنگ‌نبشته‌ای و کتابی از زید چهلوی کاربرد هزاره‌ای که با هم فرق دارند بویژه
 در زمینه کاربرد فعل‌های هزاره‌ای در سنگ‌نبشته‌ها، که این فعلها از دید شناسه‌ها یا پایانه‌های
 صرفی قاعده استوار در روشی ندارند، بر این دشواری شکستگی و پاک شدگی متن سنگ‌نبشته
 را نیز باید افزود. برخلاف چهلوی کتابی گاهی فعلی در فعل‌های هزاره‌ای، در چهلوی سنگ‌نبشته‌ای
 آشکار نمی‌شوند و یا به شکل بسیار درهم و ناقص می‌آیند؛ مانند: YKTBWN (nibišt) که
 در چهلوی کتابی YKTBWN-t می‌آید.

یکی دیگر از ویژگی‌های زبان چهلوی سنگ‌نبشته‌ای - همچنین اشاره شد - نوشتن (y) در
 در پایان برخی از واژه‌هاست. بر پایه پژوهش‌های زبان‌شناختی، این کاربرد در دوره پیشین
 چهلوی سنگ‌نبشته‌ای و افزونه‌هاست و ابستگی مفرد زبان فارسی باستان بوده است (ahya)
 که به واژه‌های دارای واکنه کوتاه افزوده می‌شده و کاربردهای غیرفعلی (oblique) به آنها
 می‌بخشیده است؛ پس این نشانه دو کاربرد داشته است که در یک راستا برده‌اند: ۱- به نام‌های
 که دارای واکنه کوتاه بودند، افزوده می‌شده و گونه‌ای توازن آوایی به آنها می‌بخشیده است.

۲- به نام‌هایی که دارای واژه کوتاه بودند افزوده می‌شده و افزودن بر کاربرد نخست که گفته شده، حالت وابستگی نام را آشکار می‌کرده است.

زبان فارسی میانه سنگ‌نبشته‌ای از دید درگونی آوایی همان روزی را پیاده است که چچوک

کتابی، در واقع قانون‌نویسی یکسانی بر هر دو استوار است. به نمونه‌های زیر توجه نمایید:

«چچوک کتابی» «چچوک سنگ‌نبشته‌ای» «فارسی باستان»

θ: (miθra) h: (mihr) h: (mihr)

rn: (farna) rn: (farr) rn: (farr)

rd: (saradāra) L: (sālār) L: (sālār)

nd: (bandaka) nd: (bandag) nd: (bandag)

xš: (xšaça) š: (šahr) š: (šahr)

این زبان (چچوک سنگ‌نبشته‌ای کنایی) از دید ساخت دستوری بسیار ساده و تحلیلی‌تر

از زبانهای باستانی بوده است و برخلاف زبانهای باستانی که با افزودن سُن پایه‌های صرفی به واژه، نقش دستوری آن درگون می‌شده است، این سلسله‌های صرفی بتدریج از زبان فته‌اند و جای آن را عرضهای اضافه گرفته است.

از دید آوانگاری، هر دو زبان چچوک کنایی و سنگ‌نبشته‌ای به گونه‌ای یکسان و همانند

آوانگاری می‌شوند و در این بخش از روی آوانگاری استاد مکتبی پیروی شده است.

آنچه که باید در اینجا توجه داشت، آن است که میان نوشته‌های این دو گونه زبانی

(بجای سنگ نبسته ای و کتابی) چند صد سال فاصله است ولی با این وجود واژه های کسان در هر
 دو زبان به گونه هماهنگی آداب نگارش می شوند و این بر می گردد به آنکه ساسانیان با بنیانگذاران فرانسوی
 ملی، مبدعی و بیانی فرانسوی در زمینه های زبانی، دینی و سیاسی پدید آورنده مسلم است که زبان
 نیز از شکلها و گونه های مختلف بدون ورود و آوازی، دستوری و واژگانی استوار گردد. چنانچه
 در فارسی دری ما شکلهای: ازسته، فرسته، فرسته، فرسته و... را داشته ایم که حرکت ازینان
 وابسته به حوزه گویش ویرده حر قلمرد فرانسوایی محلی بوده اند ولی از دوره صفویه و نگاه قاجاریه
 که پس درآمد شکل نوی حکومت ملی فراهم شده بود، این چند گویشی از میان می رود و زبان در
 جنبه های سه گانه اش دارای یک شکل می گردد و آن است که مافقا امروزه شکل «فرسته»
 را داریم. این روند را در زبان فارسی سینه می توان یافت و به این دلیل برجسته است که مادر هر دوره
 زبانی به شرط داشتن امنیت ملی و معنی و استواری ساخت اجتماعی و نهادینه شدن نهادها
 اقتصادی و سیاسی و دینی و داشتن مرکزیت محم اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، یک شکل
 آوایی، دستوری و واژگانی داریم: چنانکه این مرکزیت سیاسی را جوامع از میان دور
 همانندین نابور شده بود و به احتمال، گوسهای فراوان فارسی باستان در هزارستان
 رواج داشته است، و نگاه ساسانیان با گراسهای معنی و ملی حکومتی ملی را استوار
 می سازند، و زبان شکل کبانی به خود می گیرد و ما در آن دوره زبان ملی داریم.

زبان بچلوی سنگ نبسته ای در زمینه ساخت دستور با بچلوی کتابی تفاوتی ندارد و این دو
 گونه از ساختار دستوری کبانی برخوردارند، چنانکه در کاربرد سوزنده ها و سوزنده ها همانند هستند و

۱۱
رجه های فعل و شناسه های آن در هر دو گونه یکسان است.

کلمه دیگری که باید یاد آور شویم از دیدِ دون پایه و متن و سوره نگارش و چگونگی سنگ
نشته نویسی است. باید گفت که سنت سنگ نشته نگاری یک سنت کهن و باستانی
و مخادینه شده از روزگاران باستان حتی پیش از دوره آریاییان است و در واقع این
سنت در خاور باستان رواج داشته است. همانندین این سنت را بکار می برند
در سپس پارتهای ساسانیان این سنت را به همان سوره باستانی که شاه در آغاز سنگ نشته
نام و لقب خود درده نژادش را بر می شمرد و از پدران و نیاکان خود نام می برد و نژادش
را به خدایان و بغان می رساند و آنگاه از کسوم داری و شکر کسبها و پیروزهایش بر دشمنان
نام می برد، فراموشند. سنگ نشته های چلوک که موضوع این پایان نامه است، در آغاز
با نام پارساه آغاز شده و پادشاه در آن نژاد و نیاکانش را بر می شمرد و نژادش را به خدایان
می رساند و آنگاه از پیروزهایش و پیروزهای خود در برابر قلمرو کشور خود یاد می کند و با از همه
و بناهایی که در جایگاهها کوناگون ساخته، نام می برد.

از سنگ نشته های چلوک، خاورشناسان داریان پروهان تا سال ۱۷۶۴
آگاهی درستی نداشتند. از زمان سفر گارستن نیبور و بویره پس از چاپ نگاره های
زیبایی نیبور از آثار ایرانی و سفر فلاندن و کوست به ایران که در میان سده نوزدهم انجام
گرفت، این نگاره ها، نگاه دانشمندان را به خود جلب کرد. پیش از فلاندن و کوست،
روبرت کرپورتر، معمار و نگارگر انگلیسی در سال ۱۸۱۸ سفری به ایران کرد و نژادش

سفر خود را در کتابی نگاشت. در موزه دولتی «ارمیتر» آلبومی را که از این عکسها
غراهم آورده است، می باشد. در این آلبوم نگاره ها چنان روشن و آشکار هستند که
نوشته های سنگ نبشته ها بخوبی دیده می شود.

بنیان پژوهش من بر کتاب (Back) است و از آن میان سنگ نبشته های
زیر پرده شده اند:

۱- سنگ نبشته اردشیر اول در نقش رستم که به سه زبان نوشته شده (پهلوی، اسکانی
و یونانی) و دارای دو نظاره است که یکی اردشیر و دیگری اورمزد می باشد. هر تفلد
برای تخمین بار متن این سنگ نبشته را در پاپیولوس جلد نخست از صفحه ۸۴ به بعد آورده
است. این سنگ نبشته دارای دو متن جداگانه است که زیر عنوان ANRm-a
و ANRm-b بخش بندی شده اند.

۲- سنگ نبشته شاپور اول در نقش رجب که به سه زبان (پارتی، پهلوی و یونانی)
است. متن این سنگ نبشته برای تخمین به توسط هر تفلد در پاپیولوس جلد یک صفحه ۸۶
آورده شده است. این سنگ نبشته با کلمات نوشته است: «SNR b» آمده است.

۳- سنگ نبشته شاپور اول در حاجی آباد، که درباره تیرانداختن پادشاه می باشد و به
دو زبان پهلوی و پارتی نگاشته شده است. متن این سنگ نبشته در پایان کتاب
بند هشت چاپ دستگرد آورده شده است، نیز متن و ترجمه آن در پاپیولوس هر تفلد

جلد اول درصوفه‌های ۸۷-۸۹ آمده است. متن این سنگ نوشته به دست ملنزی نیز

در "Bulletin of the school of oriental (and African) studies" به چاپ رسیده است.

ملنزی در این نوشته سنگ نوشته را دوباره ترجمه کرده و شرح و یادداشت‌های کامل بر آن نگاشته است.

سنگ نوشته‌ای دیگر به همین درون مایه در "سنگ بوراغ" یافت شده است که در این پژوهش هر دو زیر یک عنوان آورده شده است. کوتاه‌نویس این سنگ نوشته "SHTB 9" می‌باشد.

۴- سنگ نوشته شاپور اول در شهر "وه شاپور" (شاپور) به زبان پهلوی و پارسی

این سنگ نوشته در آغاز به دست گریمن، در مجله هنرهای آسیای، دوره دهم، صفحه‌های

۱۲۹-۱۲۳ چاپ شده و نیز اولاف هاتزن (Olaft Hansen) در مجله انجمن

خاورشناسان آلمان دوره ۹۲، ۱۹۳۸، صفحه ۴۴۱ به بعد و نیز بدست کریستین سن

چاپ شد. این سنگ نوشته به دست افسای بسیر از مردم شهر هران (دیسر شاپور) نوشته

شده است.

۵- سنگ نوشته شاپور اول "در تعبیه زرتشت" نقش رستم. این سنگ نوشته

بزرگترین و درازترین سنگ نوشته مورد بررسی در این جستار است که در آن شرح لشکر

کشها و سپه‌نظامی شاپور اول بر پادشاه روم و به گروگان گرفتن او و ویران کردن

شهرها و استانه‌های روم خاوری یا آسیای کهن و در پایان در شرح بر پا کردن آتش

ورجاوند برای یادبود روان پارسا (ش پور)، فرزندان، نوادگان، نیاکان و خاندان
بزرگان دربار آمده است.

این سنگ نبشته در آغاز به دست اسپرشلینگ در مجله آسریکایی زبان و ادبیات سامی

"American journal of semitic languages and literature" دوره ۵۲، شماره ۲، صفحه

۱۲۶-۱۴۴ و نیز به دست همین نویسنده در مجله آکسین خاورشناسان (ZDMG) آلمان

دوره ۹۱، صفحه ۵۸۲-۶۲۵ به زبان آلمانی به چاپ رسید، و در این دو مقاله، تحت

متن سنگ نبشته را چاپ کرد و پس از آن یادداشت‌هایی در شرح برخی از نام‌های خاص و

نام شهرهای آورده شده در متن سنگ نبشته را بیان افزود.

هینک نیز در دو مقاله جداگانه در آلتا ایرانیکا (۶) و (۵) برخی از سطرهای سنگ

نبشته را همراه با ترجمه آنها به انگلیسی و شرح حد و مرز دقیق شهرها، استانی‌های روم خاوردی و برخی

لزداوگان، آورده است. نکته‌ای که باید در اینجا درباره این سنگ نبشته یادآوری شود،

نام‌های شهرها و استانی‌های روم خاوردی و ایران است، که در این سنگ نبشته آورده شده

است. بخشی از کار این پایان نامه کوشش در یافتن نام این شهرها و مرزهای تعیین مرزهای

آنان بوده است. بسیاری از دست‌نویس‌های فارسی و اردوایی در این زمینه سررسید و گوازه

به اندازه توان دانشی خود، بسیاری از آنها را شرحی درخور یافت و برای شماره‌های از آنان

، شرحی یافتند.

۶- سنگ نبشته مهرنرسی (نرس)، بزرگ فرمدار (wuzurg-framadār)

ساسانیان، این سنگ نبشته در دست فیروز آباد نزدیک سیراز نگاشته شده است که برای اولین بار بدست گریسن چاپ شد ولی پیش از او هرستفلد آن را یافته و به ابرسام نسبت داده بود. گریسن نیز واژه نخست خط آغاز سنگ نبشته را این گونه خوانده بود: «این پل به فرمان ابرسام، بزرگ فرمدار ساخته شد.» ولی بعدها هنینگ آن واژه ناخوانا را بدین «mihrnarsēh» خواند. سنگ نبشته به دستور مهرنرسی کنار پل فیروز آباد نگاشته شده است. مهرنرسی وزیر بزرگ در اول و دوم و چهارم گور بوده است. این سنگ نبشته در سده پنجم پیش از میلاد نگاشته شده است. کوتاه نوشت این سنگ نبشته: «MNFD» است.

۷- سنگ نبشته های نرسی پیرشاپور اول، شاپور دوم، پسر اورمزد (مهرمزد) دوم، نوک نرسی و شاپور سوم پیرشاپور دوم نوک اورمزد دوم که با کوتاه نوشت: «NVŠ-ŠTBnI-ŠTBnII» هستند. سنگ نبشته اول (NVŠ) در شاپور و سنگ نبشته های دوم و سوم در تاقستان کرمانشاه هستند. از آنجایی که متن این سه سنگ نبشته همسان است آنها نزدیک متن معین آورده شده اند. این سنگ نبشته ها فقط به زبان چلوک سنگ نبشته های نگاشته شده اند.

۸- سنگ نبشته های شاپور در پرسپولیس، این شاپور دوم پسر اورمزد دوم، پسر نرسی، پیرشاپور اول می باشد که به شاپور کانه نامور است. در این سنگ نبشته سفر شاپور دوم کانه از سگستان به صدستون و استخر هنگام کودکی آورده شده است. کوتاه نوشت این سنگ نبشته: «špsI» است.

در سنگ نبشته دوم (šps-II) نزدی بنام «سوک» دادور مهر کا در به صد ستون
پر سپولیس) می آید پس از دیدن سنگ نبشته شاپور دوم دستور به خواندنش می دهند
آنگاه این سنگ نبشته را در کنارش می نویسند و در آن برای شاپور دوم سکاها از نزدی
تندرستی و بی بگری می کنند.

متن این دو سنگ نبشته در جلد تحت پاکویی هر تفسیر آمده است. نیبرگ در جلد اول
«مانوئل» متن هر دو سنگ نبشته را آورده و خوانده است. ریچارد فرای در مجله ۸۳ تا ۹۳ مجله
(acta orientalia) متن حرف نویسی شده و آوانگاری شده آنها را همراه با برگردان
انگلیسی و یادداشتها و آوازه آورده است.

روش کار در این پژوهش بدین گونه است: ۱- حرف نویسی متن سنگ نبشته؛ بابت
یادآوری است که در حرف نویسی متنها از روش نیبرگ بهره جسته است.
۲- آوانگاری متن؛ در آوانگاری از روش مکتزی بهره برده است.
۳- برگردان فارسی؛ برگردان فارسی بر بیان متن پارسی و برگردان آلمانی و در برخی موارد
انگلیسی و فارسی شکل گرفته است.

۴- یادداشتها؛ آوازه ها که نیاز به شرح دسترس داشت، در این بخش آورده شده و در آغاز
هر آوازه با حرف نویسی شده و پس از آن شکل آوانگاری شده در سه آوازه در زبانهای
باستانی، کاربرد دستوری آوازه، گواهی از دیگر زبانهای ایرانی میانه - در حد توان - و نگاه
شرح تاریخی، اسطوره شناختی، جغرافیایی و... و یا هر شرحی که بایسته می آید، داده شده است.